

دیدگاه

سر انجام سر کوب



دکتر سیدجلال ساداتیان

-

-

■ حسب اخبار واصله مخالفین معمر قذافی موفق شده‌اند به طور مسلحانه به پایتخت لیبی وارد شده و بخش قابل توجهی از آن را اشغال کنند و ظاهرا سیفالاسلام پسر قذافی نیز به دست مخالفان افتاده است و رسانه‌های غربی از سقوط قریب‌الوقوع حکومت قذافی خبر می‌دهند.

معمر قذافی از سال ۱۹۶۹ طی یک کودتای نظامی قدرت را در لیبی به دست گرفت. لیبی در سال ۱۹۴۷ از استعمار ایتالیا و سپس در سال ۱۹۵۱ از نظارت فرانسه و بریتانیا استقلال خود را به دست آورد و یک حکومت پادشاهی تشکیل داد. قذافی حکومت خود را -که از طریق یک کودتای نظامی به دست آورده بود- «جماهير عربی سوسیالیستی خلق بزرگ لیبی» نام نهاد و شیوای خاص در حکومت کردن رایه کرد.او کتاب سبز را نوشت که به منزله مانیفست و دستورالعمل حکومت او بود. او مقر حکومتی‌اش را در چادر و در صحرا قرار داد. زنان را به عنوان محافظ خود انتخاب کرد. به شهروندانش وام بدون بهره داد. به دانشجویان رشته‌های تخصصی دستمزد پرداخت کرد. حقوق دوران بیکاری به شهروندانش داد. به زوج‌های جوان در آغاز زندگی آپارتمان اعطا کرد. به دانشجویانی که در کشورهای مختلف جهان تحصیل می کردند کمک‌هزینه دانشجویی قابل توجه اعطا کرد.اتومبیل را باقیمت تمام‌شده در اختیار شهروندانش قرار می‌داد. آموزش برای همه رایگان بود و موفق شد به این ترتیب ۲۵درصد واجد شرایط جمعیت ۶/۵ میلیون نفری‌اش را به سطح تحصیلات عالی برساند.

اگر بدهی خارجی نداشت و نندارد و گدا و کارتن‌خواب هم ندارد و نان را به قیمت ارزان به مردمش می‌رساند و موفق شده طلا را به عنوان پول نفت از مشتریان آمریکایی و اروپایی‌اش بگیرد آیا اینها دل بر تنفر غربی‌ها از اوست؟

قذافی در دهه ۷۰ با حمایت از کارلوس خادنه‌آفرینی‌های تروریستی وبی‌ژهای را رقم زد. از جمله گروگان گرفتن وزیران نفت اوپک در ۲۱ دسامبر ۱۹۸۸، انفجار هواپیمای پان‌آمریکن آمریکا در فراز منطقه لاکربی در اسکاتلند بریتانیا و کشته شدن ۲۷۰ مسافر به‌خصوص شهروندان آمریکایی نام قذافی را بیش از هر زمان دیگر بر سر زبان‌ها انداخت.

هرچند در سال ۲۰۰۳ قذافی مسئولیت بمب‌گذاری در آن هواپیما را پذیرفت و خسارت را به خانواده قربانیان پرداخت کرد اما با آغاز تظاهرات در کشورهای شمال آفریقا که از تونس و سپس مصر آغاز شد شاهد اعتراضاتی از جانب شهروندان لیبیایی از فوریه سال ۲۰۱۱ علیه دولت معمر قذافی بوده و هشتیم،این اعتراضات به درگیری‌های مسلحانه منجر شد و از سوی نیروهای امنیتی لیبی سرکوب شد و بنابراین دولت‌های اروپایی و آمریکا در قالب ناتو وظیفه خود تلقی کردند که به عنوان حمایت‌های بشرودستگاه در لیبی دخالت کنند از این رو با گرفتن مصوبه شورای امنیت سازمان ملل و گذراندن قطعنامه حملات خود را علیه تاسیسات و استحکامات لیبی آغاز کردند و با حمایت‌های گسترده از معترضان و مخالفان حکومت قذافی نسبت به پشتیبانی آنها از طریق توقیف پول‌ها و دارایی‌های دولت لیبی در خارج و واگذاری آن به معترضان و همچنین حمایت‌های تسلیحاتی و آموزش‌های لازم به آنها و نیز پناه دادن به کسانی که در معرض خطر بودند و جابه‌جایی آنها به جزایر امن در دریای مدیترانه اقدام به حمایت کردند. ۹۰درصد سرزمین لیبی با وسعت ۱/۱ میلیون کیلومتر بیابانی است و مسکونی آن همواره در حاشیه‌های دریای مدیترانه واقع است و بنابراین عمق استحکامات و مراکز دفاعی لیبی در حاشیه‌همن مناطق مسکونی اطراف دریای مدیترانه واقع است و از این جهت با کمی حمایت و پشتیبانی اروپایی‌ها که خیلی جدی بر موج تحولات منطقه سوار شدند، دولت لیبی و حکومت قذافی در آستانه سقوط قرار گرفته است. هرچند قذافی با رای و نظر مردم بر سر کار نایمده است که با رای و نظر مردم و دموکراسی بخواهد کناره‌گیری کند. اما رقابت‌های سیاسی دولت‌های غربی به‌خصوص اعضای ناتو و همچنین استغفاهای مقامات لیبیایی و فرماندهان در پست‌های سیاسی و مناصب امنیتی و پیوستن به مخالفان را باید در سرنوشتی دولت قذافی و به‌وجودآمدن جو و شرایط جدید عامل اصلی این تحولات به شمار آورد و قاعدتا از این پس باید نسبت به تحولات این سقوط و حوادث پیش‌رو بیشتر حساس بود و از زبانی کرد که در جهان عرب و جهان اسلام، سقوط دولت قذافی که یکی از ۱۰ قدرت صادرکننده نفت، آن هم از نوع مرغوب آن به کشورهای جهان است، چه تحولی حاصل خواهد شد و ثروت ۵/۵میلیون نفری مردم لیبی از این پس چگونه و در چه راهی مصرف خواهد شد؟ و چه کسانی مقدرات مردم لیبی را به دست می‌گیرند و این کشور استراتژیک شمال آفریقا را به کدام سمت و سو هدایت خواهند کرد؟ هرچند از هم‌اکنون قابل پیش‌بینی است که لیبی در راستای منافع غربی‌ها و به‌خصوص فرانسوی‌ها که این همه برای سرنوشتی قذافی از خود جدیت نشان دادند، حرکت کند.



الهه کولایی

استاد دانشگاه

این واقعیتی انکارناپذیر است که مردم کشورهای عربی در ماه‌های اخیر، با بهره‌گیری از شرایط مناسب بین‌المللی، توانسته‌اند به تلاشی خستگی‌ناپذیر برای دستیابی به حقوق انسانی خود و برکنار کردن دیکتاتورها سامان دهند. آنچه در غرب آسیا و شمال آفریقا شکل گرفته، نشانه‌های دگرگونی‌های گسترده و عمیقی است که همه جوامع بشری را در سال‌های اخیر تحت تأثیر قرار داده است. آنچه در دهه‌های اخیر با «ثقل ارتباطات» صورت گرفته، آگاهی روزافزون مردم در همه کشورهای کمتر توسعه‌یافته از «فساد، ناکارآمدی و بی‌کفایتی» حکومت‌های دیکتاتوری و بسته است؛ فشارهای اقتصادی ناشی از بحران‌های جهانی، همراه با دشواری‌های گوناگون سیاسی- اقتصادی جریانی را در سراسر کشورهای کمتر توسعه‌یافته به حرکت درآورد که انفجار مطالبات انسانی

«دیگر تمام شد؛ همیشه پیش از آنکه فکر کنی اتفاق می‌افتد.»
تا بامداد دیروز «معمر محمد عبدالسلام أبو منیار القذافی» همچنان قدرت را در طرابلس در دست داشت و مخالفانش را موش‌هایی توصیف می‌کرد که خانه به خانه فرار خواهند کرد. او خطاب به انمه مساجد گفته بود: «طرابلس در آتش می‌سوزد. باید مردم را به بهشت هدایت کنید.» امروز اما کسی از مخفیگاهش خبر ندارد. گمانه‌زنی‌ها البته از نبودن قذافی در طرابلس حکایت می‌کند. انقلابیون می‌گویند اگر رهبر سرتگون شده لیبی رسماً اعلام کناره‌گیری کند به او یک راه امن تا خروج از کشور خواهند داد. سرهنگ در آخرین پیام صوتی خود پیش‌بینی کرده بود «چند ده‌هزار» جنگجوی قبیله‌ای به یاریش خواهند شتافت و سنگر به سنگر و خانه به خانه از پایتخت او دفاع می‌کنند. دستگیری سیفالاسلام، محمد و ساعدی، پسران رهبر لیبی اما نشان داد که امید به ماندن قذافی بر آریکه قدرت حتی از میان نزدیکان او نیز رخت برسته‌است.

بامداد دوشنبه، پارتیزان‌های مخالف قذافی پس از شش‌ماه نبرد نفسگیر وارد پایتخت شدند و همزمان، مقر قذافی در منطقه باب‌المنزیریه زیر بمباران سنگین جگنده‌های ناتو بود. به گفته خبرنگاران وقتی انقلابیون وارد طرابلس شدند، مردم نگران آن بودند که سرهنگ قذافی از تسلیحات کشتار جمعی در این شهر استفاده کند. مردم خسته از جنگ طرابلس، اشتیاق زیادی به بازداشت سرهنگ قذافی داشتند. مردم عادی در گوشه گوشه پایتخت بست‌های ایست‌بارزیسی ایجاد کرده بودند.

عبدالسلام جلود به یکی از شبکه‌های تلویزیونی ایتالیا گفته است که باور ندارد سرهنگ قذافی تسلیم مخالفان شود یا دست به خودکشی بزند. میدان سبز، که طی سال‌های گذشته همواره نماد پایگاه مردمی حکومت قذافی محسوب می‌شده و تا همین اواخر، محل اصلی تجمع‌های دولتی و تظاهرات حمایت از رهبر لیبی بوده، در دست نیروهای مخالف است.

مخالفان و گروه‌هایی از مردم با پایین کشیدن پرچم سبز که توسط معمر قذافی در سالل ۱۹۷۷ به عنوان پرچم ملی انتخاب شد، پرچم سه رنگ مخالفان را در

سرهنگ قذافی در چند قدمی مرز سقوط قرار گرفته است و سرنوشت امام موسی صدر به‌زودی از پرده ایهام خارج می شود. از این رو با صادق طباطبایی،خواهرزاده امام موسی صدر درباره آخرین تحولات لیبی و وضعیت رهبر سابق شیعیان لبنان گفت وگو کردیم.

■ از اوضاع لیبی چه خبر؟

همان گونه که مطلع هستید بالاخره قیام مردم آزادی‌خواه و دریند لیبی به ثمر رسید و دیکتاتور خونریز و جبار را به زانو درآورد. در چنین شرایطی جا دارد این پیروزی را به ملت لیبی تبریک بگوییم. واقعیت این است که در طول ۳۳ سالی که از اختفای امام صدر توسط معمر قذافی می‌گذرد مبارزان و معارضان لیبیایی همواره و همگام با خانواده امام صدر در تلاش برای کسب خبر از سرنوشت او بودند.

■ از امام صدر چه خبر؟

آنچه در این زمینه می‌توانم بگویم این است که خانواده امام صدر و دست‌اندرکاران پیگیری سرنوشت ایشان در این سال‌ها با وجود غربتی که احساس می‌کردند درصدد بودند با کمک همین برادران لیبیایی از سرنوشت امام خود باخبر شوند. از همان آغاز روده شدن امام صدر توقع خانواده امام و شیعیان لبنان و دوست‌داران امام صدر در سراسر جهان از دولت‌های اسلامی و به‌خصوص جمهوری اسلامی ایران این بود که با تمام توان اطلاعاتی و عملیاتی خود، گامی در این راه بردارند ولی متأسفانه هر کدام به دلایلی و هر یک بنا بر مصلحتی از این کار طفره رفتند. کاملاً واضح است که تحقیق و شناسایی در مورد سرنوشت امام صدر در شرایطی بود که فقط شخص معمر قذافی و نزدیکان او در هیات حاکمه لیبی می‌توانستند اخباری از سرنوشت امام به ما بدهند. تحقق این امر از امکانات و توان مالی خانواده به دور بود. با وجود این، خانواده امام هیچ‌گاه مساله را رها نکردند و با وجود بی‌مهری‌ها و بی‌توجهی‌ها همچنان مساله را در محافل بین‌المللی و سازمان‌های قضایی پیگیری کردند. خود شما می‌توانید تصور کنید که این گونه تلاش‌ها به لحاظ مالی چه مقدار سنگین و به لحاظ نتایج عملیات تا چه اندازه نارسا می‌بوده است.

■ قرار است چه اقداماتی در خصوص روشن شدن وضعیت امام موسی صدر صورت گیرد؟

آنچه در این زمینه و مجال می‌توانم بگویم این است که در لبنان خانواده امام صدر دیدارهای فشرده‌ای را با مقامات مسؤول لبنان و شخصیت‌های مذهبی آن کشور

سیاست

نگاه سوم

نکته‌هایی از تجربه لیبی

بازارهای آن در شرایط اقتصادی بحرانی اتحادیه اروپایی نیز به گونه‌ای قابل ملاحظه این حساسیت را شدت بخشیده‌است. در بسیاری از نظریه‌های مربوط به «گذار» جوامع غیردموکراتیک به دموکراسی، نقش «عامل بیرونی» مورد تأکید قرار گرفته است که البته نباید با تحلیل‌های بیمار گونه اشتباه گرفته شود. در جهان پس از ۱۱ سپتامبر ترویج دموکراسی، به هدف آشکار قدرتهای غربی تبدیل شده است. اساس این سیاست این است که برپایی و گسترش دموکراسی به مپار تروریسم و تقویت امنیت بین‌المللی کمک می‌کند. حضور مخالفان سرهنگ قذافی در طرابلس مرکز لیبی، در حالی که از حمایت هوایمهای ناتو برخوردار بوده‌اند، نشانه‌ای است از دگرگونی‌های عمیقی که در جهان کنونی، به ویژه در کشورهای غرب آسیا در حال گسترش یافتن است. هرچند ملاحظات بین‌المللی بر این روند تأثیری آشکار دارد، ولی بی‌تردید مهم‌ترین عامل و حامل دگرگونی در این روند، مردم این کشورها هستند. آنانی که در پرتو افزایش آگاهی‌های روزافزون از حقوق انسانی خود، از نابرابری، بی‌عدالتی و فساد دولت‌های حاکم به تنگ آمده و



عید آزادی، ۲۰۱۱

سرهنگ به پایان سلام کرد

مازیار خسروی

نقاط مختلف نصب کرده‌اند. این پرچم از زمان استقلال لیبی در سال ۱۹۵۱ تا قبل از سقوط نظام سلطنتی در کودتای معمر قذافی در سال ۱۹۶۹، پرچم ملی لیبی بود و مخالفان قذافی نیز آن را به عنوان پرچم ملی مورد نظر خود برگزیده‌اند. مخالفان معمر قذافی روز دوشنبه اعلام کردند که کنترل ۹۵ درصد از طرابلس را در دست دارند و ظرف ۱۵ ساعت آینده کنترل کامل پایتخت لیبی را در دست خواهند گرفت.

پیش از این فرانکو فراتینی، وزیر خارجه ایتالیا نیز به خبرنگاران گفته بود که حکومت قذافی هم‌اینک تنها «۱۰ تا ۱۵ درصد» از طرابلس را تحت کنترل خود دارد. ساختمان تلویزیون دولتی لیبی به تسخیر مخالفان درآمده است. در همین حال بنا بر گزارش خبرگزاری‌ها

صادق طباطبایی مطرح کرد

تشکیل هیات بررسی وضعیت امام موسی صدر

ریحانه طباطبایی

انجام داده‌اند و همچنان در تلاشند تا با هماهنگی کامل برای روشن شدن سرنوشت امام قدم بردارند. در طول امروز آقای «نبیه بری» رئیس مجلس نمایندگان لبنان پس از دیدار با آقای صدارالدین صدر فرزند ارشد امام موسی صدر برای آقای مصطفی عبدالجلیل رئیس شورای ملی انتقالی لیبی پیامی فرستاده است. ایشان در این پیام ضمن تمجید و تکریم مبارزات آزادی‌خواهان لیبیایی با سسلطه دیکتاتوری قذافی و برپایی دولتی براساس مبانی قانونی و مدنی را به آنان تبریک گفتند. آقای نبیه بری همچنین در این پیام از خسارات و ویرانگری‌هایی که در طول ۴۲سال گذشته از سوی معمر قذافی و عوامل او بر مردم لیبی وارد آمده یاد کرد و افزود: «دل‌های ما همچنان برای نجات امام صدر می‌تپد برای راهی شما نیز از سلطه دیکتاتور سابق لیبی می‌تپد.»آقای نبیه بری رئیس «جنبش امل» ابراز امیدواری کرد رهبران جدید انقلاب لیبی تمامی مساعی خود را به کار گیرند تا محل اسارت اسام صدر را در زندان‌های لیبی شناسایی کرده و برای حفظ جان ایشان و نیز آزادی بدین قید و شرط معطله به کار گیرند. امروزه دیگر از سراسر دولت‌های اسلامی و مسوولان کشور ما هیچ گونه بهانه‌ای قابل قبول نیست و امیدواریم در این لحظات حساس که دل‌های میلیون‌ها انسان اعم از مسیحی و مسلمان در خاورمیانه و جهان اسلام برای بازگشت امام موسی به صحنه اجتماع می‌تپد در جست‌وجو برای یافتن ایشان و روشن کردن آنچه خارج از اراده ماست، هر یک بر سر ایشان آمده است، کوشا باشند.

به قرار اطلاع قرار است هیات‌های ویژه‌ای اعم از گروه‌های متخصص اطلاعاتی و نیز افراد باتجربه عملیاتی از لبنان و ایران طی یکی، دو روز آینده به لیبی اعزام شوند.

■ چه اندازه به حیات امام صدر می‌توان امید بست؟

واقعیت این است که به لحاظ اخبار موفق نمی‌توانیم چه در زمینه امروزه امام و چه در زمینه شهادت ایشان قاطعانه اظهار نظر کنیم ولی درمجموع اخبار و شواهدی که از سلامت امام و زندانی بودن ایشان در زندان‌های

روزنه

تأثیر فروپاشی رژیم قذافی بر خاورمیانه

سید علی خرم

- تأییدنده اسبق ایران در سازمان ملل



فروپاشی یکی دیگر از دیکتاتورهای خاورمیانه با درد و رنج فراوانی به‌همراه بود، ولی بیش از هفت ماه بیشتر طول نکشید. ۴۲ سال حکومت قذافی با عوام‌فریبی، ظلم و ستم، سرکوب مردم، تحمیق نخیکنان و تحمیلکرددها، حیف و میل خزانه عمومی و کشتار بسیاری در حین خیزش هفت‌ماهه اخیر و کشتار تعداد نامعلومی در دوران حکومتش همراه بود. شاید ظرف چند سال آینده مشخص شود قذافی چه کسانی و چه تعدادی را در زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های مخوف خود سربعست کرده است. قذافی از نظر فرعون زمان بودن در برخی جهات گوی سبقت را از صدام روده بود و البته مردم لیبی هم به آگاهی مردم عراق نوبوند. قذافی با کشتاری که از مردم خودش کرد، بنیان‌گذار مداخله نظامی شورای امنیت به‌دلیل نقض صمکر و سیستماتیک حقوق بشر شد. موضوعی که قبل از آن سابقه نداشت و دست دیکتاتورها

برای کشتار و سرکوب ملتشان تا حدود زیادی باز بود و فقط شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های حقوق بشری واکنش نشان می‌دادند و آثار اجرایی فوری نداشت. اما از اسفندماه ۱۳۸۹ دیگر این دوران به‌سر آمده و دیکتاتورهای خاورمیانه از هم‌اکنون در قفس آهنین قرار گرفته‌اند و هر واکنش تندی نسبت به مردم کشورشان با واکنش جامعه جهانی و به نیابت آن با واکنش سریع و جدی شورای امنیت روبرو می‌شود. اگر قذافی پنج ماه پیش از جایگاه فرعون‌ئی‌اش پایین آمده بود و به‌طور سبمبلیک اداره امور کشور را به پسرش واگذار می‌کرد، شرایط اینقدر به‌سرعت علیه رژیم او نمی‌جرخید ولی چه حیف که همه دیکتاتورها، ستمگران و کافران در اوج قدرت زبان ملت همه را نمی‌فهمند، نمی‌شنوند و نمی‌بینند. به‌قول قرآن صم بکم عمی فهم لایعقلون. قذافی هم همان توهم صدام را داشت که از نظر نظامی چنین و چنان است، به این طریق نیروهای خارجی را زمین‌گیر می‌کند، می‌بستند، می‌جنگد و همچون نابالغون دوباره شرایط را به‌نفع حکومت خود تغییر داده و چند ماه بیشتر بر سر مردم دیکتانتخ لیبی حکمفرمایی می‌کند. بقیه دیکتاتورهای خاورمیانه هم همین توهم را دارند، از بن‌علی، حسنی مبارک، علی عبدالله صالح گرفته تا بشار اسد، اصولاً نمی‌فهمند زمانه عوض شده و سال ۱۳۹۰ دیگر سال ۱۳۸۰ و حتی سال ۱۳۸۹ نیست. اگر آنها این تغییرات نظام بین‌الملل و به ویژه توسعه حقوق بین‌الملل را به‌درستی درک می‌کردند، احترام خود را نگه‌داشته، بدون اینکه گزندی به خانواده خود، مردمشان و زیربنایهای اقتصادی صنعتی کشورشان برسد، عقلاانه صحنه را قبل از دیر شدن ترک و امور را به رای مردم واگذار می‌کردند تا مسیر مدرسالاری هموار شود. آنچه امروز در انتظار قذافی و به ویژه پسرش است، با فرض اینکه از آتش خشم مردم لیبی زنده‌مانند، یک محاکمه تمام‌عیار به‌جهت جنایت علیه بشرت، جنایت جنگی است که مقدمات آن چند ماه است توسط دادگاه‌های بین‌المللی جنایی فراهم شده‌است. نقض صمکر و سیستماتیک حقوق بشر از مظاهر جنایت علیه بشرت است که قطعنامه ۱۹۷۰ شورای امنیت به این مناسبت صادر شد و به‌همین دلیل مداخله نظامی شورای امنیت در لیبی صورت گرفت. به رجاگر بستن دستنه‌جمعی مردم در هفت ماه گذشته و کشتار دسته‌جمعی مردم بی‌گناه در ۴۲ سال حکومت سیاه قذافی درون سیاهچال‌ها که اسناد و مدارک آن طی چند ماه آینده روشن‌تر می‌شود، قذافی را مستعد جنایتکاری کرده که اتهامش همچنین نقض کنوانسیون ژنوساید است. اگر اتهامات تروریستی وی در خارج از لیبی شامل کشتار مخالفان، کشتار مردم بی‌گناه آمریکا و انگلستان طی انفجار هواپیمای پان‌آمریکن بر فراز لاکربی انگلستان و حمایت کامل از گروه تروریستی شین‌فین در ایرلند شمالی که به کشتار هزاران نفر انجامید و بسیاری طرح‌های تروریستی دیگر نیز به فهرست بلند بالای جرایم و اعمال وی اضافه شود، مشاهده می‌شود جهان در انتظار یکی از مهیج‌ترین دادگاه‌های جنایتکاران تاریخ در مورد قذافی خواهد بود. می‌توان گفت از هم‌اکنون عصر این جنایتکار و فرعون زمان به پایان رسیده است و بقیه ماجرای وی هم به‌سرعت خواهد گذشت ولی قطعا سرنوشتی قذافی و نجات مردم لیبی آهنگ خیزش و پیروزی مردم خاورمیانه در سایر کشورها را تندتر خواهد کرد. هر نوع کیفرخواستی برای قذافی تنظیم شود مدلی خواهد شد که در مورد بقیه دیکتاتورهای این منطقه نیز نوشته می‌شود از نظر روانی و دان روحیه، قطعا مردم سوریه به‌طور مثال با روحیه قوی‌تر

و امید بیشتر به مبارزات خود علیه آقای بشار اسد ادامه خواهند داد. شورای امنیت و ناتو هم بی‌جهت به پایان دادن به سرنوشت قذافی شتاب ندادند. این شتاب نشان از این بود که قصد دارند به ماموریت بعدی یعنی سوریه بروند. به‌عبارت دیگر ظرف دوماه همان سازوکار که برای لیبی فراهم دیده بودند به‌شکلی کامل‌تر برای سوریه تدارک خواهند دید. در مورد سوریه مردم از اجماع بیشتری برخوردارند و نسبت به مردم لیبی نیز از آگاهی بالاتری بهره‌مند هستند. معترضان و معارضان در ظرف چند ماه گذشته دارای تشککل و سازوکاری شده‌اند که تر کیه تسهیل‌کننده آنها بوده است، بنابراین شورای امنیت و ناتو می‌دانند با چه کسانی باید وارد مذاکره شده و حکومت بعدی سوریه را به‌رسمیت بشناسند. امور نظامی باید توسط ناتو انجام شود و در چنین شرایطی سادهر و سریع‌تر از لیبی صورت می‌گیرد. به‌علاوه فضای جهانی و فضای خاورمیانه دیگر بعد از عملیات در لیبی کاملاً توجیه بوده و خود از چنین مداخله‌ای استقبال می‌کنند. بی‌جهت نیست که چند هفته پیش طی مطلبی عرض شد «سوریه زورود به مرز خطر» و اکنون متأسفانه سازوکار آن با عدم اعتطاف آقای بشار اسد فراهم شده است. در مورد سایر کشورهای خاورمیانه نیز چه سرنوشتی قذافی و چه تحولات بعدی سوریه زمینه‌ساز خیزش مردمی کشورهای به‌ظاهر ساکت و سقوط سایر دیکتاتورها خواهد بود.



این عکس تنها مربوط به یک سال پیش است اما از چهارتنی که در ردیف جلو ایستادند هیچ‌کدام بر سر قدرت نیستند عکس: Reuters